

# عوامل سقوط انسان از مقام خلیفه الهی از دیدگاه قرآن

تألیف: محمد حمزه

عوامل سقوط انسان از مقام خلیفه الهی  
از دیدگاه قرآن  
تألیف: محمد حمزه

ناشر: عاصم  
صفحه آرای: واحد هنری انتشارات عاصم  
نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۰  
تیراژ: ۵۰۰ نسخه  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۷۷۰-۲۵-۴  
قیمت روی جلد: ۴۰۰/۰۰۰ ریال

سرشناسه: حمزه، محمد، ۱۳۷۴-  
عنوان و نام پدیدآور: عوامل سقوط انسان از مقام خلیفه  
الهی از دیدگاه قرآن / تألیف محمد حمزه.  
مشخصات نشر: تبریز: انتشارات عاصم، ۱۴۰۰.  
مشخصات ظاهری: ۹۹ ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۷۷۰-۲۵-۴  
وضعیت فهرست نویسی: فیپا  
یادداشت: کتابنامه.  
موضوع: انسان (اسلام) -- جنبه‌های قرآنی  
موضوع: Theological anthropology -- Islam --  
Qur'anic teaching  
موضوع: صفات رذیله -- جنبه‌های قرآنی  
موضوع: Vices -- Qur'anic teaching  
رده بندی کنگره: BP۱۰۴  
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹  
شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۱۶۴۰۲

مؤکز پخش: نشر عاصم: ۹۱۴۵۸۷۳۴۵۲

پست الکترونیک ناشر: nashre.asem@gmail.com  
www.asembook.ir

همه حقوق و نشر کتاب اعم از چاپ، کپی، تکثیر، ذخیره در سیستم‌های بازیابی محفوظ است.

## فهرست

|    |          |
|----|----------|
| ۷  | پیشگفتار |
| ۱۳ | مقدمه    |

### فصل اول: بررسی مقام خلیفه الهی و دست یابی انسان به این جایگاه

|    |                                         |
|----|-----------------------------------------|
| ۲۲ | بررسی و تبیین چیستی خلافت الهی          |
| ۲۳ | نقش تعلیم اسماء در خلافت خدا            |
| ۲۶ | علت خلیفه قرار دادن انسان               |
| ۲۷ | خلیفه و جانشین الله کیست؟               |
| ۲۹ | مهم‌ترین وصف انسان کامل، خلافت الهی     |
| ۲۹ | بررسی ریشه‌ای خلیفه الهی                |
| ۳۱ | رمز خلافت                               |
| ۳۳ | سر خلافت یا چرایی وجود خلیفه            |
| ۳۴ | گستره خلافت الهی                        |
| ۳۵ | مصادیق و مراتب خلیفه الهی               |
| ۳۷ | شناخت خلیفه الهی طریق سعادت و کمال      |
| ۳۸ | دیدگاه‌های مطرح در زمینه خلافت انسان    |
| ۳۸ | آراء مختلف در اینکه مراد از خلیفه کیست؟ |

|                                       |    |
|---------------------------------------|----|
| ویژگی های خلیفه الهی.....             | ۴۸ |
| بر خور داری از مقام ولایت.....        | ۴۸ |
| بر خور داری از مقام امامت.....        | ۵۱ |
| محوریت خلیفه الهی در نظام آفرینش..... | ۵۳ |
| خداگونه بودن خلیفه الهی.....          | ۵۵ |

## فصل دوم: عوامل سقوط انسان از خلیفه الهی از منظر قرآن

|                                                                         |    |
|-------------------------------------------------------------------------|----|
| عوامل انحطاط و سقوط انسان از خلیفه الهی از نگاه قرآن کریم و روایات..... | ۶۰ |
| دوری از خدا.....                                                        | ۶۱ |
| شیطان.....                                                              | ۶۱ |
| هوای نفس.....                                                           | ۶۱ |
| اعراض از آیات خدا و معارف او.....                                       | ۶۲ |
| گناه.....                                                               | ۶۲ |
| آرزوهای دراز.....                                                       | ۶۳ |
| تکذیب معاد و رستاخیز و هدفمندی برای آفرینش.....                         | ۶۴ |
| تکذیب پیامبران و رسولان الهی.....                                       | ۶۵ |
| طمع.....                                                                | ۶۶ |
| دنیاپرستی.....                                                          | ۶۶ |
| غفلت و از خود بی گانگی.....                                             | ۶۷ |
| اسراف و تبذیر.....                                                      | ۶۷ |
| فقر و ثروت.....                                                         | ۶۸ |
| اطاعت از غیر خدا.....                                                   | ۶۸ |
| جنگ قوای انسانی.....                                                    | ۶۹ |
| دسیسه حق و تغییر فطرت.....                                              | ۷۲ |
| غرور و تفاخر، عامل سقوط انسان.....                                      | ۷۶ |
| تنوع علل و عوامل سقوط.....                                              | ۷۷ |

|    |                                    |
|----|------------------------------------|
| ۷۹ | عوامل حوزه اعتقادی.....            |
| ۸۰ | عوامل حوزه رفتاری.....             |
| ۸۱ | مبارزه با عوامل سقوط.....          |
| ۸۲ | چگونگی سقوط انسان خلیفه‌اللهی..... |
| ۸۳ | فاسدان، بدترین دشمن اسلام.....     |
| ۸۴ | فساد برای کسب عزّت ظاهری!.....     |
| ۸۶ | انسان، اوج آفریده‌های الهی.....    |
| ۸۹ | عوامل سقوط بشر.....                |
| ۸۹ | خودخواهی و خودپسندی.....           |
| ۸۹ | بی‌تقوایی.....                     |
| ۹۰ | خوشگذرانی و سرمستی.....            |
| ۹۱ | حزب‌گرایی.....                     |
| ۹۱ | قدرت و ثروت.....                   |
| ۹۲ | طغیانگری و فسادگری.....            |
| ۹۳ | نتیجه‌گیری.....                    |
| ۹۷ | فهرست منابع و مآخذ.....            |

## مقدمه

انسان به طور فطری علاقه و گرایش خاصی به کمال دارد لذا بر اساس همین گرایش ذاتی و فطری بشر است که گرایش انسان به زیبایی‌ها و خوبی‌ها و گریز وی را از بدی‌ها و زشتی‌ها تبیین می‌شود. با این همه به علل درونی و عوامل بیرونی از مسیر کمال بیرون می‌رود و از مقام انسانیت سقوط می‌کند.

در این ارتباط با نگاهی به قرآن می‌توان اشاره داشت که خداوند در قرآن، از آفرینش انسان به عنوان خلیفه خود یاد کرده<sup>۱</sup> و آدمی را به خاطر برخورداری از چنین مقامی، به عنوان برترین آفریده معرفی می‌کند<sup>۲</sup> حال سؤال اساسی این است که حقیقت خلافت الهی چیست؟ و خلیفه الهی چه کسی است؟ به عبارتی آیا خلافت، شخصی بوده و تنها به حضرت آدم، اختصاص دارد؟ یا نوعی است و همه فرزندان آدم را شامل می‌شود؟ از نظر قرآن، انسان موجودی است که از روح خدا در او دمیده شده و از چنان گوهر و وجودی برخوردار است که خداوند، دیگر موجودات جهان آفرینش را برای او خلق کرده است و جهان را به گونه‌ای آفریده است که انسان بتواند در جهت بهره‌وری خود

---

۱. بقره/۳۰

۲. مومنون/۱۴

از آن استفاده کند و تا آنجا او را برتری داده است که به فرشتگان دستور داده تا به تعظیم او پردازند. همه این امور بیانگر این حقیقت است که انسان از کرامت و فضیلت ذاتی برخوردار است و این کرامت در مقام انسانیت اوست و نوع انسان کریم است. این کرامت بالقوه در تمام انسان‌ها که باید با طی مسیر کمال و درجات به فعلیت برسد، وجود دارد. اما با این اوصاف محقق در تحقیق حاضر به دنبال بررسی موضوع "عوامل سقوط انسان از مقام خلیفه الهی از دیدگاه قرآن" می‌باشد.

در بحث اهمیت خلافت، انسان در زمین منحصر بفرد است و بیانگر جایگاه انسان در نظام هستی و ارزش و مقام او می‌باشد. محققین و مفسرین مسائلی چون خلافت انسان در زمین، منشأ پیدایش انسان، جایگاه ارزشی او و فضیلت انسان نسبت به موجودات دیگر و اشرفیت انسان میان مخلوقات پرداخته‌اند و یکی از فضایل و کراماتی که برای انسان قائل شده‌اند مقام خلافت الهی است. انسان برای این که بتواند به نهایت انسانیت برسد باید علل و عواملی که باعث می‌شود وی از راه حق و حقیقت جدا شود و منحرف و گمراه گردد را بشناسد و با مبارزه آنها به مقام برتر برسد و مصداق احسن الخالقین گردد. اما علل و عواملی که مانع رسیدن انسان به مقامی که شایسته آن است، می‌باشد و انسان را از راه حق باز می‌دارد، گاهی مربوط به خود اوست و گاهی هم مربوط به اجتماع و محیط پیرامون او می‌باشد لذا برخی از مهم‌ترین عوامل سقوط انسان از راه حق که مربوط به خود فرد می‌باشد شامل: پیروی از وسوسه شیطانی، وابستگی و دلبستگی به حب دنیا، پیروی از هوای نفس، جهل، غفلت، پندارگرایی باطل می‌باشند که همه اینها باعث شده که بر دل انسان زنگار نشیند و چشم دلش نابینا گردد و ترازوی سنجش عقلش توازن خود را از دست بدهد و سرانجام حق را نبیند یا وارونه بیند. ولی دسته دیگر از علل سقوط انسان که مربوط به

اجتماع است عبارتند از: محیط ناسالم و فاسد که خود شامل محیط خانواده ناسالم، محیط اجتماع فاسد، فرهنگ ناسالم جامعه و همچنین رسانه‌های گروهی منحرف کننده، خواه رسانه‌های سمعی و بصری همچون: ماهواره، اینترنت و ... و خواه رسانه‌های نوشتاری مانند: مجله، مقاله، کتاب ضالّه و ... می‌باشند. علاوه بر اینها، دوست و همنشین ناباب و رهبر فاسد و گمراه نیز نقش به سزایی در به انحراف کشاندن انسان دارند. از نظر قرآن، انسان حقیقی کسی است که در محدوده حیات حیوانی و طبیعی نایستد حتی انسانیت خویش را تنها به نطق یا تفکر محدود نکند بلکه باید حیات الهی و خداخواهی فطری خویش را به فعلیت برساند. برای این امر شناخت عوامل سقوط انسان از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است و شناخت سعادت و کمال مطلق انسان، بستگی به شناخت حقیقت او دارد. با توجه به موارد گفته شده بررسی موضوع «عوامل سقوط انسان از مقام خلیفه الهی از دیدگاه قرآن» ضرورت پیدا می‌کند.

در ارتباط با موضوع تحقیق یک سری مقالات و کتابها تدوین شدند که به برخی از آنها در این قسمت اشاره می‌گردد:

-مردانی (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان «چگونگی سقوط انسان» به موارد زیر اشاره داشت:

انسان در یک حالتی از اعتدال قرار دارد و به اختیار خویش می‌تواند راه فطرت را پیماید و با بهره گیری از عقل و قلب سالم در کنار وحی، مسیر تعالی را طی کند؛ یا اینکه هواهای نفسانی و وسوسه‌های ابلیسی را برگزیند و در مسیر سقوط قرار گیرد. اما پرسش اساسی این مطلب آن است که چرا انسانی که به طور طبیعی کمال گرا و نقص گریز است، به جای کمال، راه نقص را در پیش می‌گیرد و از آن چیزی که به طور طبیعی گرایش دارد، می‌گریزد

و به آن چیزی که به طور طبیعی از آن بیزاری و نفرت دارد، گرایش می‌یابد؟ چه علل و عواملی موجب سقوط انسان می‌شود به گونه‌ای که به زشتی‌ها، بدی‌ها، نواقص گرایش می‌یابد و نسبت به زیبایی‌ها، خوبی‌ها، نیکی‌ها و کمالات بیزاری می‌جوید؟

-محبوبی (۱۳۹۶) در مطالعه خود با موضوع "علل سقوط انسان" به نتایج زیر رسید: در قرآن کریم در دو سوره فلق و ناس که به آنها معوذتین می‌گویند، انسان‌ها از عواملی که موجب سقوطشان می‌شود به خداوند سبحان پناه می‌برند. نکته دقیقی در این دو سوره وجود دارد و آن نکته این است که در سوره فلق، یک مرتبه از چند عامل خیلی مهم به خداوند متعال پناه برده شده است.

-شهیدی (۱۳۹۴) در مطالعه خود با موضوع «عوامل سقوط و انحطاط انسان از دیدگاه نهج البلاغه با رویکرد به مبانی قرآنی آن» به نتایج زیر رسیدند دین الهی، روحیات و تعالیم آن در حکم خونی است که در رگهای زندگی جریان داشته و پیکر آن را به حرکت درمی‌آورد. پویایی زندگی و مدار معرفت و عمل به دستورهای الهی است و پیامد جهل بی‌اعتنایی به فرامین خداوند، انحطاط، سقوط و عقب ماندگی است. رشد و شکوفایی انسان و جوامع بشری و نیز انحطاط و سقوط آن‌ها عواملی دارند که اگر شناسایی و برطرف نشود انسان را تا نازلترین جایگاه و اسفل سافلین ساقط می‌کند. از نگاه قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام بویژه حضرت علی علیه السلام در کتاب گران سنگ نهج البلاغه، انسان تنها آفریده‌ای است که شایستگی کمال در حد اعلای در بین سایر مخلوقات داشته و تنها او عنوان خلافت الهی را در زمین داراست تخلف از فرامین پروردگار، موجب سقوط انسان و تنزل مقام او از جایگاه و کرامت انسانی است که امری خطیر و زیانبار است و به عوامل مختلفی بستگی دارد.

عواملی متعددی چون اعتقادی (شرك، كفر، نفاق)، فرهنگی (خودباختگی، بی توجهی نسبت به فرهنگ خودی، تهاجم فرهنگی)، سیاسی (فرقه گرایی)، اخلاقی (تکبر و غرور، کینه ورزی، تمسخر، مال پرستی، خشونت و شهوت) او را در این مسیر به هدف کمال نزدیک می سازند انحراف از هر يك از این عوامل انسان را به سقوط و انحطاط می کشاند.

- شجاعی (۱۳۹۳) در مطالعه خود با عنوان "انسان و خلافت الهی" به نتایج زیر رسید: خردورزی درباره حقیقت انسان و ترسیم جایگاه وجودی او در منظومه هستی، اصیل ترین تلاشی است که آدمی پیوسته بدان مشغول بوده و عقل و نقل بر آن تأکید فراوان کرده است. کشف ساحت های وجودی انسان بدون استمداد از آموزه های وحیانی، غیر قابل اصطیاد است، چرا که خدای انسان آفرین، بهتر از همه، می تواند از رمز و راز آفریده خویش، پرده برداشته و به معرفی او بپردازد. خداوند در قرآن، انسان را به عنوان خلیفه خود معرفی کرده و از برتری او بر سایر مخلوقات سخن گفته است. در مقاله حاضر، حقیقت خلافت الهی انسان، چرایی جعل خلیفه از جانب خداوند، جایگاه خلافت الهی در منظومه کمالات انسان، برتری آدمی بر تمام مخلوقات عالم در پرتو خلافت الهی، آثار و ویژگی های خلافت الهی در نظام هستی، با توجه به آیات و روایات مربوط، مورد بررسی قرار گرفته و به شبهات پیرامون موضوع پاسخ داده خواهد شد.

- صانعی (۱۳۷۹) در مطالعه خود با موضوع «نقش الگوسازی در رشد و سقوط انسان» به نتایج زیر رسید: همانندگرایی «واژه ای است که در مکتب روانکاوی «فرید» به کار رفته است. او روان را به سه سیستم تقسیم کرده است: الف- «اید» (نهاد) ب- «سوپرایگو» (ابرمن) ج- «ایگو» (من یا خود) «ایگو وظیفهء ایجاد تعادل بین دنیای واقعی «اید» و «سوپرایگو» را بر عهده دارد.

به نظری به وسیله «هماندگرایی» شخص خود را به طور ناخودآگاه با اشخاص و افرادی که در نظرش ایده آل و برجسته اند، تطبیق می دهد. واژه «ناخودآگاه» در مکتب فروید با آنچه در مکاتب دیگر به کار می رود بسیار متفاوت است. منظور او از «ناخودآگاه» این است که «ایگو» می خواهد ناآگاهانه برای رهایی از کشمکشهای درونی، در ذهن هماهنگی ایجاد کند. اما در بعضی از مکاتب و همچنین در برخی از روایات کلمه «ناخودآگاه» در موردی به کار می رود که تمایلات فطری در نهاد انسان وجود دارد که سبب می شود در موارد خاصی آدمی را برای تحقق هدفی به فعالیت وادارد. مثلاً کودکان به طور ناخودآگاه از بزرگترها تقلید می کنند و از ایشان درباره مجهولات سؤال می کنند. معلمان برای شاگردان الگو هستند. پیغمبر اسلام برای جوامع بشری الگوی و مقصد است. برای نمونه شمه ای از اخلاق و رفتار رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است.